

The Mechanism Related to the Demand for Mahr by the Wife, Emphasizing the New Regulations

Shohre Mansouri¹, Hamid Abhari^{2*}, Sam Mohammadi³

1. Ph.D. student, Private law, Group of Law, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
2. Professor, Private Law Group, Faculty of Law and Political Science of University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
3. Professor, Private Law Group, Faculty of Law and Political Science of University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research
Pages: 163-180

Article history:

Received: 31 Aug 2022

Edition: 4 Dec 2022

Accepted: 7 Feb 2023

Published online: 1 Jul 2023

Keywords:

Mahr, Registration office, family court, court costs

Corresponding Author:

Hamid Abhari

Address:

Iran, Mazandaran, Mazandaran University, Faculty of Law and Political Science, Department of Private Law.

Orchid Code:

0000-0002-3800-0538

Tel:

09111115495

Email:

hamid.abhary@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: One of the financial rights that is created for a woman in the marriage contract is Mahr. In the present study, the formalities and mechanisms of Mahr demand by the wife will be investigated in the light of new legal developments, including the circular of the head of the judiciary and the law of the third five-year development plan.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: The findings of the present research show that the circular of the Head of the Judiciary, in accordance with paragraph B of Article 113 of the Law of the Sixth Five-Year Development Plan, in line with the wife's referral to the document registration office to collect Mahr. With the wife's right to go directly to the court within the framework of the general rules of the civil procedure law, it creates practical challenges.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: If the Mahr is documented in a document, the wife must first apply for the issuance of a procedure to claim the dowry through the office of the marriage registrar and the registry office, and she does not have the right to directly demand the Mahr through the court. Also, if it is necessary to go to the court, the wife is obliged to pay the court fee based on the daily price, which is in conflict with the rules of civil procedure.

Cite this article as:

Mansouri SH, Abhari H, Mohammadi S. The Mechanism Related to the Demand for Mahr by the Wife, Emphasizing the New Regulations. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

تشریفات مربوط به مطالبه‌ی مهریه توسط زوجه با تاکید بر مقررات جدید

شهره منصوری^۱، حمید ابهری^{۲*}، سام محمدی^۳

۱ دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

۳. استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از حقوق مالی که در ضمن عقد نکاح برای زن ایجاد می‌شود، مهریه است. در پژوهش حاضر به بررسی تشریفات و سازوکارهای مطالبه مهریه توسط زوجه در پرتو تحولات قانونی جدید از جمله بخشنامه رئیس قوه قضائیه و قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه پرداخته خواهد شد.

مواد و روش‌ها: روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد؛ و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بخشنامه رئیس قوه قضائیه در راستای بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه در راستای مراجعه زوجه به اداره ثبت اسناد جهت وصول مهریه با حق زوجه در مراجعه مستقیم به دادگاه در چهارچوب قواعد عام قانون آیین دادرسی مدنی چالش‌های عملی را ایجاد می‌نماید.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: چنانچه مهریه مستند به سند رسمی باشد، زوجه لزوماً باید ابتدا برای مطالبه‌ی مهریه از طریق دفترخانه‌ی ثبت کننده نکاح و اداره‌ی ثبت اسناد درخواست صدور اجرائیه کند و مستقیماً حق مطالبه‌ی مهریه از طریق دادگاه ندارد. همچنین در صورت لزوم مراجعه به دادگاه زوجه مکلف به پرداخت هزینه‌ی دادرسی براساس قیمت روز است که این مقرر با مقررات آیین دادرسی مدنی تعارض دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۳-۱۸۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

واژگان کلیدی:

مهریه، اداره ثبت، دادگاه خانواده، هزینه دادرسی

نویسنده مسئول:

شهره منصوری

آدرس پستی:

ایران، مازندران، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی.

تلفن:

۰۹۱۱۱۱۱۵۴۹۵

کد ارکید:

0000-0002-3800-0538

پست الکترونیک:

hamid.abhary@gmail.com.

۱. مقدمه

مهر در لغت به معنای صداق و کابین به کار رفته است. (فراهیدی ۱۴۱۰: ۵، دهخدا ۱۳۷۳: ۶۱۵) در اصطلاح حقوقی نیز برخی در تعریف مهر آورده‌اند: «مهر، مالی است که به مناسبت نکاح، مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود. الزام مربوط به تملیک مهرناشی از حکم قانون است و ریشه‌ی قراردادی ندارد.» (کاتوزیان ۱۳۸۹: ۱۱۴) مستند به ماده‌ی ۱۰۸۷ قانون مدنی چنانچه در نکاح دائم مهر ذکر نشود یا عدم مهر شرط شود، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود (ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی) اما در نکاح منقطع، مهر یکی از ارکان عقد بوده و عدم ذکر مهر در عقد به موجب ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی موجب بطلان نکاح می‌گردد. ممکن است عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع ثبت شده باشد و مهریه‌ی زوجه در سند رسمی ذکر شده باشد. در این صورت مطالبه‌ی مهریه توسط زوجه دارای تشریفات خاصی است که ابتدا در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین ممکن است نکاح اعم از دائم و منقطع به ثبت نرسیده باشد و برای زوجه مهریه‌ای تعیین شده باشد که در این صورت زوجه برای مطالبه‌ی مهریه باید به دادگاه مراجعه کند که مطالبه‌ی مهریه از این طریق تشریفات خاص خود را دارد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله نظام‌المالکی و قربانی تحت عنوان «تحلیل حقوقی مطالبه و اجرای مهریه در اداره اجرای اسناد رسمی». از نظر نویسندگان، یکی از راه‌های مطالبه مهریه از شوهر مراجعه به اجرای ثبت

اسناد رسمی است. یکی از مزیت‌های مطالبه مهریه از طریق اجرای ثبت سریع‌تر بودن رسیدگی می‌باشد بدین ترتیب که زن با ارایه اصل و تصویر مصدق شده سند ازدواج به اجرای ثبت محل خود تقاضای صدور اجراییه کرده و اجرای ثبت نیز بلافاصله به مرد ابلاغ کند که به موجب سند رسمی ازدواج که از طرف زن ارایه شده است بدهکار بوده و باید ظرف مهلت قانونی نسبت به پرداخت مهریه همسرش اقدام نماید. در این مقاله به بررسی تحلیل حقوقی مطالبه و اجرای مهریه در اداره اجرای اسناد رسمی پرداخته شده است. سایر پژوهش‌های موجود در ارتباط با ماهیت مهریه، ارکان آن، شرایط تغییر مهریه و سقوط آن می‌باشند. در ارتباط با نوآوری پژوهش حاضر باید عنایت داشت که، بررسی بخشنامه رئیس قوه قضائیه در راستای بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه در راستای مراجعه زوجه به اداره ثبت اسناد جهت وصول مهریه، حق مراجعه مستقیم به دادگاه، نقد و بررسی این قانون و بخشنامه مزبور یکی از نوآوری‌های مقاله است که در پژوهش‌های موجود به صورت تفصیلی به آن پرداخته نشده است. همچنین بررسی هزینه‌های دادرسی دعوی مطالبه مهریه براساس بخشنامه یکنواخت سازی هزینه دادرسی رئیس قوه قضائیه و بررسی مغایرت یا عدم مغایرت آن با قانون آیین دادرسی مدنی و نقد آن از دیگر نوآوری‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شود. نوآوری دیگری که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است پرداختن به این موضوع می‌باشد که در صورت مراجعه زوجه به دادگاه و عدم مراجعه به اداره ثبت، با توجه به بخشنامه جدید، دادگاه چه تصمیمی در ارتباط با وصول مهریه اتخاذ خواهد نمود. در نهایت موضوعات راجع به ماده ۹ قانون

باید برای استیفای حقوق خود ابتدا به دفترخانه و اداره‌ی ثبت مراجعه و با صدور اجراییه عملیات اجرایی را انجام دهند و ابتدا حق مراجعه به دادگاه را نداشته و دادگاه نیز حق پذیرش دادخواست و رسیدگی به چنین دعوی را ندارد.

در بند ب ماده‌ی ۱۱۳ قانون برنامه‌ی فوق‌الذکر آمده است: «...مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا از طریق ادارات اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اجرا می‌شوند. ادارات مذکور مکلفند بلافاصله پس از تقاضای اجراییه نسبت به شناسایی و توقیف اموال مدیون اقدام کنند. چنانچه مرجع مذکور بتواند ظرف مدت دو ماه از تقاضای اجراء، نسبت به شناسایی و توقیف اموال متعهد سند، اقدام کند، ظرف مدت شش ماه نسبت به اجرای مفاد سند اقدام نماید، متعهدله سند می‌تواند با انصراف از اجرای مفاد سند به محاکم دادگستری رجوع نماید.»

ریاست قوه قضائیه طی بخشنامه‌ای به شماره ۹۰۰/۳۴۸۸۹/۱۰۰ به روسای دادگستری‌های سراسر کشور نحوه‌ی رسیدگی به دادخواست‌های مطالبه‌ی مهریه را ابلاغ نموده‌اند. در این بخشنامه آمده است: «درخصوص شناسایی و توقیف اموال مدیون (زوج) در عقدنامه به عنوان یک سند لازم‌الاجرا در مواردی که زوجه درخواست مطالبه مهریه ارائه می‌دهد، لازم است بدو به اداره ثبت اسناد و املاک مراجعه کند تا با توقیف دارایی زوج بتواند حقوق شرعی و قانونی خود را به عنوان مهریه دریافت کند. ثبت اسناد و املاک در صورت عدم حصول نتیجه در شناسایی و توقیف اموال مدیون پس از گذشت ۶ ماه از زمان درخواست اجراییه، گواهی برای محاکم قضایی صادر می‌کند

شوراها و نیز تشریفات مربوط به مطالبه مهریه در سند نکاحنامه عادی یا ثبت نشده نیز جنبه دیگری از نوآوری‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد؛ همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بخشنامه رئیس قوه قضائیه در راستای بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه در راستای مراجعه زوجه به اداره ثبت اسناد جهت وصول مهریه با حق زوجه در مراجعه مستقیم به دادگاه در چهارچوب قواعد عام قانون آیین دادرسی مدنی چالش‌های عملی را ایجاد می‌نماید. به طور کلی، درمورد شیوه مطالبه‌ی مهریه در سال‌های اخیر مقررات نوینی وضع شده است که تغییر و تحولاتی در آیین مرتبط به مطالبه‌ی مهریه ایجاد کرده است.

۵. بحث

۵-۱. تشریفات مربوط به مطالبه‌ی مهریه از طریق اداره ثبت اسناد و املاک

براساس بند ب ماده‌ی ۱۱۳ قانون برنامه‌ی پنج ساله ششم توسعه دارندگان اسناد رسمی لازم‌الاجرا مانند سند نکاحیه، طلاق، اجاره، رهن و...

شده است اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه با طولانی شدن فرایند رسیدگی و افزایش روزافزون قیمت سکه این موضوع مورد تامل می‌باشد که بازهم تضييع حقوق زنان را در پی خواهد داشت.

اعمال ماده‌ی ۲۱ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی و همچنین رای وحدت رویه ۷۷۴-۱۳۹۸/۱/۲۰ در خصوص مجازات اشخاصی که اموال خود را به قصد فرار از دین انتقال می‌دهد صرفاً ناظر بر احکام قطعی دادگاه‌هاست و مدیون تابع مقررات اجرای ثبت را شامل نمی‌شود و لذا چنانچه زوج پس از ابلاغ اجرائیه از سوی اداره‌ی اجرای ثبت اقدام به انتقال اموال خود به قصد فرار از پرداخت مهریه‌ی زوجه نماید، این عمل مشمول ماده‌ی ۲۱ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی و رای وحدت رویه فوق الذکر نمی‌شود و به موجب اصل تفسیر مضیق به نفع متهم، مشمول مجازات نمی‌باشد لذا زوج بدون ترس از مجازاتی می‌تواند به راحتی اقدام به انتقال اموال خود و تضييع حقوق زوجه نماید.

هر چند این مقرر، جهت پیشگیری از افزایش تعداد زندانیان مهریه می‌باشد اما اگر هم تاثیری در این امر داشته باشد، کیفرزدایی از ضمانت اجرای معنونه بدون پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسب دیگری صرفاً موجب تضييع حقوق زنان می‌شود. (محبی، ۱۳۹۵، ۱۲۰).

یکی دیگر از معایب این مقرر آن است که در فرضی که زوجه یقین دارد که زوج اموالی ندارد تا از طریق ادارات اجرای ثبت قابل توقیف باشد بازهم ملزم است تا ابتدا به اداره‌ی ثبت مراجعه نماید و حدود ۶ ماه طرح دعوی خویش در دادگاه را به تاخیر اندازد که این امر حاصلی جز اطاله‌ی رسیدگی و تضييع حقوق زنان ندارد.

با عنایت به وضعیت مالی مدیون (زوج) موضوع خواسته زوجه بررسی و حکم مناسب صادر می‌شود، به این قانون و بخشنامه انتقادات عدیده ای وارد است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

عملاً ممکن است بسیاری از زنان در مرحله‌ی بدوی و ابتدایی به حقوق قانونی خود در ادارات ثبت دست نیابند؛ زیرا بسیاری از زنان قادر به معرفی اموال از همسران خود نمی‌باشند و در بعضی از موارد نیز علی‌رغم کشف اموالی از زوج، ممکن است با خارج نمودن آن مال توسط مردان از دسترس، وصول مهریه از محل آن مال امکان پذیر نباشد لذا این روش صرفاً موجب اطاله‌ی فرایند دستیابی زنان به حقوقشان و تضييع حق آنان و سردرگمی بیشتر آنان می‌شود. (نظام المالکی و قربانی، ۱۳۹۶: ۴)

عدم امکان درخواست تامین خواسته و استفاده از ماده‌ی ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی یکی دیگر از معایب بزرگ این قانون و بخشنامه می‌باشد. وفق این ماده، امکان بازداشت و توقیف اموال خواننده قبل از طرح دعوی اصلی از حقوق خواهان است حال آن که با اجرایی شدن این قانون در وهله‌ی اول امکان استفاده از تامین خواسته وجود ندارد. و فاصله‌ی طولانی میان صدور اجرائیه و ابلاغ آن تا بازداشت اموال محکوم علیه (زوج) فرصت مناسبی را برای انتقال اموال برای وی فراهم می‌آورد و به طور آشکار قانون راه فراری را برای مردان در ادای دین خویش پیش‌بینی نموده است که در عمل نیز بسیار شایع می‌باشد.

عدم وصول مهریه به نرخ روز یکی دیگر از معایبی می‌باشد که بایستی به آن توجه نمود. این موضوع در زمانی که مهریه زوجه به صورت سکه تعیین

غیرمنقول که در دفتر املاک به ثبت رسیده است از دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده‌ی سند ...»

بنابراین زوجه ابتدا بایستی به دفترخانه‌ای که سند ازدواج در آنجا تنظیم گردیده مراجعه نموده، و درخواست اجرا را با شرایط مقرر در بند فوق تقدیم نماید تا دفترخانه‌ی مزبور اقدام به صدور اجراییه نماید.

۵-۱-۲. اجرائیه و تعداد نسخ آن

منظور از اجراییه، فرم‌های مخصوصی است که مرجع صدور اجراییه آن را تنظیم و صادر می‌نماید و به اداره یا شعبه‌ی اجرای ثبت اسناد و املاک و یا مرجع دیگری که قانون تعیین کرده است می‌فرستد و مامورین اجرا موظفند که با همکاری مامورین انتظامی (در صورت لزوم) مفاد آن را مطابق با قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرا گذارند. لذا همانطوری که درخواست اجرای سند، فرم چاپی مخصوصی دارد، ورقه‌ی اجراییه هم دارای فرم مخصوصی است که در ادارات ثبت و دفترخانه‌های مربوطه موجود است و دستور اجرای مفاد سند نکاحیه (مهریه) حتماً باید روی ورقه‌ی اجراییه به نحوی که در مقررات مربوطه آمده است. (شهری، ۱۳۹۲: ۲۱۲) وفق ماده ۵ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا تعداد برگ‌های اجراییه باید دو برابر تعداد متعهد یا متعهدین به علاوه‌ی یک نسخه باشد. لذا درخصوص مهریه که عموماً تنها زوج متعهد پرداخت مهریه است، تعداد برگ‌های اجراییه باید سه عدد باشد.

۵-۱-۳. ابلاغ اوراق اجرایی

پس از صدور اجراییه و مهر و امضای آن به وسیله‌ی مقام صادرکننده‌ی اجراییه، باید جهت اجرا نزد مسئول اجرا فرستاده شود. مسئول اجرا

شاید مهمترین ایرادی که بتوان براین قانون وارد نمود، مغایرت آن با حق دادخواهی شهروندان است بدین توضیح که: نه‌تنها در قانون اساسی (اصل ۳۴ و ۱۵۶ و ...) بلکه در مهم‌ترین اسناد حقوق بشری از جمله اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، و اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی، حق دادخواهی به عنوان حق مسلم شهروندی به رسمیت شناخته شده است.

حال در خصوص بحث مانحن فیه یعنی بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه‌ی ششم توسعه که به نوعی مانع از مراجعه‌ی ابتدایی زوجه جهت وصول مهریه به دادگاه‌های صالح می‌گردد در واقع نوعی تعدی و تجاوز به این حق محسوب می‌گردد و اگر ایراد گرفته شود که با این مقرر این حق سلب نگردید بلکه از حالت عرضی درآمده و به صورت طولی تبدیل شده بدین توضیح که اگر زوجه در اداره‌ی ثبت به نتیجه نرسید، حق مراجعه به دادگاه‌های صالح را دارد، باید عنایت داشت همین که حق ابتدایی افراد در مراجعه به دادگستری سلب گردیده است به معنای تجاوز به این حق می‌باشد و قدر متیقن موجب تحدید این حق گردیده است که امری خلاف قانون است.

۵-۱-۱. مراجع صدور اجرائیه

در خصوص مرجع صالح برای صدور اجراییه جهت وصول مهریه بند ج ماده‌ی ۲ آیین‌نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مقرر می‌دارد:

«در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق و رجوع شده نسبت به اموال منقول و سایر تعهدات (به استثنای غیرمنقول) در دفتری که سند را تنظیم کرده است و نسبت به اموال

از طریق سامانه انحام و در صورتی که ارسال پیوست‌های ابلاغیه به صورت الکترونیکی ممکن نباشد، امر ابلاغ به وسیله ابلاغنامه انجام می‌شود...» بنابراین، اگر مشخصات زوج در سامانه الکترونیکی ابلاغ نبود، ابلاغ می‌بایست طبق مقررات مواد ۶۷ تا ۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی به صورت فیزیکی و درج در روزنامه صورت گیرد.

در خصوص ابلاغ الکترونیکی مخاطب (زوج) نمی‌تواند اظهار بی‌اطلاعی کند مگر اینکه ثابت نماید به لحاظ عدم دسترسی یا نقص در سامانه یا سیستم الکترونیک ابلاغ یا شبکه‌ی مخابراتی از مفاد ابلاغ مطلع نشده است، البته خودداری از مراجعه به سامانه ابلاغ به منزله استنکاف از قبول اوراق اجرایی بوده و ابلاغ محسوب می‌گردد. (ماده‌ی ۱۶ آیین‌نامه‌ی مذکور - اصلاحی ۱۳۹۸)

۵-۱-۴. نحوه اجرای عملیات اجرایی

۵-۱-۴-۱. معرفی و بازداشت اموال

پس از اینکه اجراییه به طریقی که در گفتار قبل بیان گردید به زوج ابلاغ شد، وی مکلف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجراییه مفاد آن را اجرا نمایند یا ترتیبی جهت پرداخت مهریه دهد و یا مالی معرفی نماید که اجرای سند از آن میسر گردد. و اگر خودش را قادر به اجرای مفاد اجراییه ندانست، باید در همان مدت صورت جامع‌داری خود را به مسئول اجرا بدهد و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام کند و چنانچه زوج در مدت مزبور قادر به پرداخت دیون خود نبود، مکلف است هر موقع که تمکن مالی جهت پرداخت تمام یا قسمتی از دین خود را پیدا نمود آن را پرداخت نماید. ادارات ثبت نیز مکلف گردیده‌اند که بلافاصله با تشکیل پرونده‌ی اجرایی الکترونیکی

ابتدا بایستی اجراییه‌ها را به ترتیب تاریخ وصول در دفتر مخصوص، ثبت و برای آن‌ها پرونده تشکیل دهد. (شهری، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

نحوه ابلاغ اوراق اجرایی که از جمله‌ی آن اجراییه می‌باشد، به نحو الکترونیکی از طریق سامانه الکترونیکی ابلاغ صورت می‌پذیرد و تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با پرونده‌ی اجرا مکلف‌اند نسبت به ثبت نام در این سامانه اقدام نمایند. لذا زوجه می‌بایست در وهله‌ی اول در سامانه الکترونیکی ابلاغ (ثنا) ثبت نام نماید. پس از مشاهده‌ی اوراق اجرایی از طریق این سامانه، با ثبت زمان مشاهده و سایر جزئیات ذخیره می‌شود و کلیه آثار ابلاغ قانونی بر آن مترتب می‌گردد. وصول الکترونیکی اوراق اجرایی به حساب کاربری مخاطب و ورود به سامانه از طریق حساب کاربری و رویت اوراق، ابلاغ محسوب و به منزله رسید، است. (ماده ۱۴ آیین‌نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا) ممکن است این سوال مطرح گردد که در صورتی که مشخصات زوج در سامانه الکترونیکی ابلاغ ثبت نشده باشد، ابلاغ به چه صورت بدوی انجام می‌گیرد؟

در این خصوص ماده‌ی ۱۵ آیین‌نامه‌ی مذکور مقرر می‌دارد: «در صورتی که از مخاطب شماره تلفن همراه یا پست الکترونیکی در دسترس نباشد، ابلاغنامه مطابق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در اقامتگاه وی ابلاغ و در آن مقرر می‌گردد «مخاطب موظف است جهت ثبت نام و دریافت حساب کاربری اقدام و کلیه ابلاغ‌های بعدی از طریق آن ابلاغ انجام خواهد شد» در صورت ابلاغ واقعی، ابلاغ‌های بعدی و پیوست‌های مربوط صرفاً

بازداشت اموال غیرمسئول زوج نیز همانند اموال مسئول است به غیر از سپردن به حافظ که در این خصوص مصداق نمی‌یابد. (ماده ۸۵ آیین‌نامه)

۵-۱-۴-۲. ارزیابی اموال بازداشت شده

پس از بازداشت اموال به شرح فوق، جهت ارزیابی اموال به درخواست هر یک از طرفین، یک نفر کارشناس رسمی دادگستری به قید قرعه از طریق سیستم الکترونیک تعیین می‌گردد که با مراجعه به محل نسبت به ارزیابی اقدام نماید. کارشناس مکلف است پس از ارزیابی مال، نظر خود را حداکثر به مدت ۱۰ روز به واحد اجرای ثبت اعلام نماید که ظرف سه روز پس از وصول نیز بایستی به طرفین ابلاغ گردد. (ماده ۹۸ و ۹۹ آیین‌نامه) کسی که نظر کارشناس را به ضرر خودش بداند، می‌تواند اعتراض خود را ظرف مدت ۵ روز از تاریخ ابلاغ به واحد اجرا اعلام نماید و چنانچه طی این مدت اعتراضی واصل نشود، نظریه قطعی می‌گردد. (ماده ۱۰۱ آیین‌نامه) و در صورتی که به نظر کارشناس اعتراض شده باشد، هیات سه نفره‌ی کارشناسان به نحو قرعه تعیین می‌گردند که ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ارجاع می‌بایست نظر خویش را اعلام نمایند و نظر اکثریت هیات کارشناسی قطعی است. (ماده ۱۰۲ آیین‌نامه)

۵-۱-۴-۳. مزایده

پس از اینکه اموال بازداشت شده توسط کارشناسان رسمی ارزیابی گردید و این ارزیابی قطعی شد، آگهی مزایده جهت مزایده گذاشتن اموال به ترتیب مقرر در ماده‌ی ۱۲۱ آیین‌نامه‌ی اجرا منتشر می‌گردد و بایستی تمامی موارد مندرج در این ماده باشد. سپس آگهی مزایده در یک نوبت در سایت آگهی‌های سازمان ثبت و یکی

نسبت به شناسایی و توقیف اموال و دارایی‌های زوج از طریق بانک‌های اطلاعاتی اقدام نمایند. (ماده ۲۱ آیین‌نامه و تبصره آن) چنانچه زوج، مالی نداشته باشد، شخص ثالث می‌تواند مال خود را برای اجرا معرفی نماید. در این صورت پس از بازداشت مال از سوی اجرا، شخص ثالث (معرفی کننده‌ی مال) حق انصراف ندارد. (ماده ۲۴ آیین‌نامه) همچنین زوجه می‌تواند قبل از انقضای مدت ۱۰ روزه‌ی فوق، تقاضای تامین طلب خود را از اموال زوج نمایند. در این صورت اجرا بلافاصله بعد از ابلاغ اجراییه معادل میزان مهریه را از اموال زوج بازداشت می‌نماید. (ماده ۲۷ آیین‌نامه)

چنانچه مهریه‌ی زوجه عین معین نباشد به عنوان مثال تعدادی سکه‌ی طلا باشد، در اینجا پس از استعلام از صنف طلافروشان جهت تعیین قیمت روز سکه و اگر سکه طلا نباشد، با جلب نظر کارشناس رسمی، معادل آن از اموال زوج دریافت می‌گردد. و به همان اندازه اموال زوج بازداشت می‌شود. (ماده ۲۹ آیین‌نامه) چنانچه زوج دارای اموال منقولی مانند خودرو باشد، به درخواست زوجه آن اموال بازداشت می‌گردد و چنانچه میزان مهریه بیش از سی میلیون ریال باشد و مال بازداشت شده نیز علی‌الظاهر بیش از سی میلیون ریال ارزش داشته باشد، مامور اجرا در هنگام بازداشت اموال نظر کارشناس رسمی را جلب خواهد کرد و از اموال زوج معادل میزان مهریه و یک تا دو عشر اضافه بازداشت می‌نماید و اگر مال غیرقابل تجزیه باشد مانند خودرو تمام آن بازداشت می‌شود. (ماده ۴۱ و ۴۲ آیین‌نامه)

و پس از بازداشت آن مال، در همان مکان و در صورت لزوم در جای محفوظی جهت نگهداری به حافظ سپرده می‌شود. (ماده ۴۳ آیین‌نامه)

این امر می‌باشد، به عنوان نمونه، اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه در نظریه‌ی شماره‌ی ۹۸۹/۹۹/۷ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۶ اعلام می‌دارد:

«... طبق تبصره ۳ بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه‌ی ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ چنانچه متعهد سند لازم الاجرا، مدعی اعسار باشد، می‌تواند با رعایت قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ دادخواست اعسار خود را به مرجع قضایی صالح تقدیم کند. از سوی دیگر به موجب بند ۶ ماده‌ی ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ مطالبه‌ی مهریه از جمله دعاوی داخل در صلاحیت دادگاه خانواده است و ادعای اعسار از پرداخت مهریه موضوع سند اجراییه نیز با توجه به اطلاق بند ۶ ماده‌ی ۴ مذکور در صلاحیت دادگاه خانواده است.»

۵-۱-۴-۴. حق الاجرا

حق الاجرا اسناد لازم الاجرا ۵ درصد (نیم عشر) مبلغ بدهی متعهد است و از کسی که اجراییه علیه او است اخذ خواهد شد. پس از صدور اجراییه و ابلاغ آن و گذشت مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، اگر متعهد دین خود را نپردازد، مسئول پرداخت نیم عشر اجرایی خواهد بود مگر اینکه طلبکار بدون حق تقاضای اجراییه نموده باشد که در این صورت نسبت به آن قسمتی که طلبکار حق نداشته از خود او دریافت می‌شود نیم عشر اجرایی جزء درآمدهای عمومی است. براءت ذمه‌ی متعهد جزئاً یا کلاً پس از ابلاغ اجراییه موجب سقوط ذمه‌ی متعهد از حق الاجرا نمی‌شود بلکه طبق مقررات باید وصول شود. (رمضان پور، ۱۳۹۷: ۶)

از روزنامه‌های الکترونیکی کثیرالانتشار به تشخیص سازمان ثبت منتشر و نسخه‌ای از آن تهیه و در محل وقوع مال و محل مزایده و تابلوی اعلانات اداره‌ی ثبت اسناد محل الصاق می‌شود و فاصله‌ی انتشار آگهی در سایت تا روز مزایده نباید کمتر از ۱۰ روز و بیشتر از ۲۰ روز باشد و نسخه‌ای از آگهی بلافاصله به متعهد (زوج) و متعهدله (زوجه) نیز ابلاغ می‌گردد. (ماده ۱۲۲ آیین‌نامه)

مزایده در یک جلسه از ساعت ۹ الی ۱۲ برگزار می‌شود. در صورتی که در جلسه‌ی مزایده خریداری پیدا نشود، مال با دریافت حق الاجرا و حق مزایده به قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود به زوجه واگذار می‌گردد. و چنانچه مال مورد مزایده بیشتر از میزان طلب داشته باشد، اداره‌ی اجرا در ضمن تنظیم صورت جلسه‌ی مزایده به زوجه تفهیم می‌نماید که ظرف مدت یک ماه نسبت به واریز مابه التفاوت یا واگذاری سهم مشاعی به میزان طلب، اقدام نماید. (ماده ۲۶ آیین‌نامه)

سوالی که ممکن است مطرح گردد این است که آیا در صورتی که زوج فاقد اموالی باشد، می‌تواند تقاضای اعسار نماید؟ این سوال از آنجایی مطرح می‌گردد که قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی صرفاً به اعسار از پرداخت محکومیت‌های مالی (صدور حکم) اشاره کرده است و اشاره‌ای به اجراییه‌های ثبتی ننموده است و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ نیز به موجب این قانون نسخ صریح گردیده است در پاسخ به این پرسش باید گفت که زوج می‌تواند پس از صدور اجراییه، نسبت به تقدیم دادخواست اعسار در دادگاه خانواده محل صدور اجراییه اقدام نماید. رویه‌ی قضایی و نظریات مشورتی متعدد قوه‌ی قضائیه نیز موید

نیازی به پرداخت نیم عشر اجرایی نیست. (رمضان‌پور، ۱۳۹۷: ۷)

۵-۱-۴-۵. خاتمه عملیات اجرایی

پس از اینکه مزایده برگزار شد، چنانچه مال منقول باشد، در جلسه‌ی مزایده به خریدار یا طلبکار (زوجه) تحویل داده می‌شود و چنانچه مال غیرمنقول بود، سند انتقال اجرایی تنظیم و برای ثبت رسمی به دفتر اسناد رسمی ارسال می‌گردد و پس از آن بایستی ملک مورد مزایده را تخلیه و به خریدار یا بستانکار تحویل داده شود. برای تخلیه‌ی ملک مامور اجرا با حضور نماینده‌ی دادستان و در صورت نیاز به حضور مامور نیروی انتظامی در روز مشخص و معین اقدام به تخلیه‌ی ملک می‌نماید و اگر اموالی در محل مورد تخلیه وجود داشته باشد، صورت اموال برداشته می‌شود و حتی الامکان در همان محل در جای محفوظی نگهداری و درب آن مهر و موم می‌شود و یا آن را به طلبکار یا امینی تحویل می‌دهند و رسید دریافت می‌دارند و پس از عملیات تخلیه، اداره‌ی ثبت بایستی مراتب ختم پرونده‌ی اجرایی را به دفاتر اسناد رسمی مربوطه اعلام نمایند تا دفترخانه آن را در ستون ملاحظات ثبت دفتر قید نماید. (اسدی، ۱۳۹۷: ۲۴) بدین صورت زوجه می‌تواند مهریه‌ی خویش را از دایره‌ی اجرای ثبت وصول نماید. اما چنانچه زوج فاقد اموالی باشد و یا اداره‌ی ثبت نتواند نسبت به شناسایی و توقیف اموال ظرف دو ماه از تاریخ صدور اجراییه و ظرف شش ماه از آن تاریخ نسبت به اجرای آن اقدام نماید، پس از انصراف زوجه از اجرای مفاد سند و درخواست مختومه شدن پرونده‌ی ثبتی و صدور گواهی از سوی اداره‌ی ثبت، نسبت به طرح دعوی در دادگاه‌های صالح اقدام نماید. (بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه‌ی ششم توسعه)

هر گاه طرفین پس از صدور اجرائیه و ابلاغ، صلح نمایند، یا قرار اقساط بگذارند، یا مهلت بدهند یا مدت یک سال اجراییه را تعقیب نکنند، متضامناً مسئول پرداخت نیم عشر اجرایی خواهند بود. البته کسی که در نتیجه‌ی مسئولیت تضامنی حق الاجرا را می‌پردازد، می‌تواند آن را از طرفی که قانوناً مسئول پرداخت حق الاجرا می‌باشد به وسیله‌ی خود اجرای ثبت وصول کند.

هر گاه محرز شود که متعهد در تاریخ ابلاغ اجراییه محجور یا ورشکسته بوده است، حق الاجرا تعلق نمی‌گیرد: (ماده ۱۶۵ آیین‌نامه) هر گاه طلبکار درخواست نماید که از ابلاغ اجراییه خودداری شود، تنها در صورتی حق اجرا دریافت می‌شود که محرز باشد اجراییه، قبل از وصول و ثبت تقاضای مذکور در دفتر اداره‌ی ثبت صلاحیت دار ابلاغ شده است. (ماده ۱۶۶ آیین‌نامه) در ماده‌ی ۱۶۷ نیز مقرر شده است: جز در مورد ماده‌ی فوق، در هر مورد دیگر که رای رئیس ثبت یا قائم مقام او بر عدم دریافت حق الاجرا باشد به مسئول حسابداری ابلاغ می‌شود و نامبرده مکلف است به رای مزبور اعتراض کند تا موضوع در هیات نظارت مطرح و رسیدگی شود. رای هیات نظارت در این خصوص قطعی است.

نکته‌ی حائز اهمیت اینکه به موجب بند ب ماده‌ی ۱۱۷ قانون برنامه‌ی ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ هزینه‌ی اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا صرفاً از محل اموال توقیف شده‌ی متعهد سند و پس از وصول مطالبات متعهدله سند به وسیله‌ی اجرای ثبت وصول می‌گردد. بنابراین اگر بر فرض در راستای اجرای سند لازم الاجرا مثل مهریه، مدیون (زوج) ممنوع الخروج گردد و متعاقباً طلبکار (زوجه) بخواهد رفع ممنوع الخروجی کند،

مهریه‌ی خویش، می‌بایست تمامی مقررات قانون آیین دادرسی مدنی مربوط به تقدیم دادخواست و پیوست‌های آن و تمامی شرایط اساسی آن را رعایت نماید.

اما برخی دیگر در این خصوص نظر مخالف داشته و بر این عقیده‌اند که می‌بایست تبصره ۱ ماده ۱۹ قانون شورای حل اختلاف که یکی از مصادیق تشریفات دادرسی را شرایط شکلی دادخواست دانسته، در دعاوی خانوادگی (قسمت اخیر ماده ۸ قانون حمایت خانواده) قابل اجرا دانست؛ زیرا خصوصی بودن مسائل خانوادگی باعث می‌شود که طرفین تمایلی به مراجعه به وکلای دادگستری نداشته باشند و لزوم رعایت شرایط شکلی دادخواست، مغایر اصل ساده بودن دادرسی و تسهیل رسیدگی به این دعاوی است. (صفری، ۱۳۹۸: ۱۵۱)

اما به نظر می‌رسد، از آنجایی که در قانون حمایت خانواده در این مورد یعنی عدم لزوم رعایت شرایط شکلی دادخواست تصریح نشده است لذا بایستی به اصل (رعایت شرایط شکلی دادخواست) و قانون آیین دادرسی مدنی رجوع نمود. همچنین در نظام حقوقی ایران دادخواست مفهوم خاصی دارد و زمانی می‌توان از دادخواست سخن گفت که دارای شرایط مقرر قانونی (مواد ۵۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی) باشد. به نظر، در این مورد قانون حمایت خانواده نیاز به اصلاح دارد و برای رفع ابهام‌ها می‌بایست به لزوم با عدم لزوم رعایت شرایط شکلی در دادخواست تصریح گردد.

۲-۲-۵. هزینه دادرسی

در رابطه با هزینه‌ی دادرسی دعاوی خانوادگی، برخی بر این عقیده‌اند که علی‌رغم وجود نظریاتی در راستای رایگان بودن دادرسی، از یک سو،

۲-۵. تشریفات مرتبط با مطالبه مهریه از طریق دادگاه

۲-۵-۱. تکمیل فرم دادخواست مطالبه مهریه

ماده ۸ قانون حمایت خانواده ی جدید، رسیدگی در دادگاه خانواده را مستلزم رعایت تشریفات نمی‌داند. این ماده چنین مقرر می‌دارد: «رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود. تبصره - هرگاه خواهان خوانده را مجهول امکان معرفی کند، باید آخرین اقامتگاه او را به دادگاه اعلام کند. دادگاه به طرق مقتضی در این باره تحقیق و تصمیم‌گیری می‌کند. رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت سایر تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود.»

هر چند مقنن در تلاش برای حذف تشریفات آیین دادرسی مدنی و تسهیل رسیدگی به دعاوی خانوادگی بوده است. با این حال از قاعده‌ی عام ماده‌ی ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی پیروی نموده و تقدیم دادخواست را جهت شروع رسیدگی به دعاوی خانوادگی الزامی دانسته است. علی‌رغم انتقاداتی که بر لزوم تقدیم دادخواست و این مقرر (ماده ۸ قانون حمایت خانواده) وارد شده است. برخی قائل بر فوایدی بر لزوم تقدیم دادخواست می‌باشند و معتقدند از یک سو، باعث می‌شود خواهان اطلاعات لازم جهت رسیدگی را به طور مفصل‌تری درج نماید و از تقدیم دادخواست ناقص پرهیز گردد. از سوی دیگر، کنترل شرایط شکلی دعوی از طریق مدیر دفتر دادگاه تسهیل شود و در مجموع باعث تسریع در رسیدگی می‌گردد. (قبولی و محسنی، ۱۳۹۴: ۱۲۶)

بنابراین، در هر حال توجه جهت مطالبه‌ی

دادرسی» تکرار شده است. بنابراین، چنانچه مهریه‌ی زوجه مال غیرمنقول باشد، هزینه‌ی دادرسی آن براساس ارزش معاملاتی املاک می‌باشد که با استعلام دفاتر خدمات قضایی از اداره‌ی دارایی در زمان تقدیم دادخواست میسر می‌باشد.

اما چنانچه مهریه‌ی زوجه سکه و طلا باشد که در غالب موارد این چنین است، به موجب ماده‌ی ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی، مبنای محاسبه هزینه‌ی دادرسی مبلغی است که خواهان (زوجه) به‌عنوان بهای خواسته در دادخواست خود ذکر نموده است و به موجب بند ۴ ماده‌ی ۶۲ قانون فوق‌الذکر: «... در دعاوی راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خوانده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرد، مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.» بنابراین با توجه به مواد فوق‌الذکر؛ اگر مهریه‌ی زوجه سکه و طلا باشد، هزینه دادرسی براساس قیمت مقوم شده‌ی آن‌ها به‌عنوان بهای خواسته در دادخواست، تعیین می‌گردد.

اما موضوعی که بحث برانگیز بوده، بند (ه) بخشنامه‌ی ریاست قوه‌ی قضاییه در راستای «یکنواخت سازی هزینه دادرسی» می‌باشد که مقرر داشته است: «... مبنای محاسبه هزینه دادرسی در مورد سکه، طلا و ارز مبلغ واقعی حسب اعلام بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.» بنابراین، براساس این بخشنامه اگر به عنوان مثال، مهریه‌ی زوجه ۱۱۰ عدد سکه‌ی تمام بهار آزادی باشد، براساس قیمت واقعی آن می‌بایست هزینه‌ی دادرسی پرداخت نماید که:

بایستی هزینه دادرسی دریافت گردد تا از طرح برخی دعاوی طاری جلوگیری شود و از سوی دیگر، هزینه‌ها به میزانی نباشد که افراد قادر به اقامه‌ی دعوی نباشند. (قبولی و محسنی، ۱۳۹۴: ۱۲۷) قانون جدید حمایت خانواده دریافت هزینه‌ی دادرسی در دعاوی خانوادگی را پذیرفته، با این حال در تبصره‌ی ماده ۵ این قانون، از اختیار دادگاه در معاف کردن افراد تحت پوشش کمیته‌ی امداد امام (ره) و مددجویان سازمان بهزیستی در پرداخت هزینه دادرسی سخن گفته است.

درخصوص هزینه دادرسی، ماده‌ی ۶۱ قانون آیین دادرسی مدنی چنین مقرر می‌دارد: «بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدید نظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است. مگر اینکه قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.» یکی از مواردی که مشمول قسمت اخیر این ماده بوده و ترتیب دیگری برای آن در قانون معین شده است، هزینه دادرسی درخصوص اموال غیرمنقول است که در این راستا قسمت اخیر بند ۱۲ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، چنین مقرر می‌دارد:

«... در دعاوی مالی غیرمنقول و خلع ید از اعیان غیرمنقول از نقطه نظر صلاحیت، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می‌نماید لکن از نظر هزینه دادرسی باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و براساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود.» که همین حکم در بند (د) بخشنامه‌ی شماره‌ی ۹۰۰۰/۲۷۸۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۸ ریاست قوه قضاییه درخصوص «یکنواخت سازی هزینه

اولاً: برخلاف مصالح و حقوق زوجه بوده چراکه عموماً زوجه توانایی پرداخت چنین مبلغ گزافی را نداشته و باعث می‌شود که در بسیاری موارد علی‌رغم ذی‌حق بودن و در معرض تضییع بودن آن حق، نتواند مبادرت به احقاق حق و اقامه‌ی دعوی نماید که این امر سلب بارز حق داد خواهی افراد می‌باشد.

ثانیاً: باعث افزایش مشغله‌ی دادگاه‌ها و ورودی و حجم پرونده‌ها می‌گردد، با این توضیح که اگر طبق این بخشنامه عمل گردد، به علت اینکه زوجه عموماً قادر به پرداخت مبلغ گزاف این چینی نیست لذا بدو اقدام به تقدیم دادخواست اعسار از پرداخت هزینه‌ی دادرسی می‌نماید لذا در کنار هر خواسته‌ی مطالبه‌ی مهریه‌ای مواجه با درخواست اعسار از پرداخت هزینه‌ی دادرسی می‌شویم که علی‌رغم ایجاد و صرف وقت و هزینه برای دادگاه‌ها، موجب اطاله‌ی دادرسی نیز می‌گردد.

ثالثاً: مهم‌ترین ایراد این بخشنامه مغایرت آن با قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد. با این توضیح که همانطور که پیش‌تر بیان کردیم، مطابق ماده ۶۱ و ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، در دعاوی مربوط به اموال (غیر از اموال غیرمنقول) مانند سکه و طلا، هزینه‌ی دادرسی باید براساس قیمت تقویم شده‌ی خواسته توسط خواهان در دادخواست تعیین گردد. لذا پرواضح است که این بخشنامه از چند جهت دارای ایراد اساسی است:

۱- بخشنامه نمی‌تواند واجد حق و تکلیف باشد. (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۸: ۳۳۵) در حالی که بخشنامه‌ی حاضر، تکلیفی را ایجاد نموده است.

۲- بخشنامه نباید مغایر با قانون باشد لذا از این حیث بی‌اعتبار است. (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۸: ۳۳۵) در واقع براساس اصول ۴ و ۱۷۰ و ۱۷۳ و سایر اصول قانون اساسی، بخشنامه و آیین‌نامه نبایستی مغایر با قانون باشد، در غیر این صورت قابل ابطال در دیوان عدالت اداری می‌باشند. شاید به علت همین مغایرت با قانون این بخشنامه باشد که بسیاری از محاکم از اجرای آن خودداری نموده و وفق قانون عمل می‌نمایند. به عنوان نمونه در پرونده‌ای که با شماره بایگانی ۹۹۰۰۱۶۲ با عنوان مطالبه‌ی مهریه در شعبه اول دادگاه مطرح رسیدگی بود، مهریه‌ی زوجه ۱۱۰ عدد سکه تمام بهار آزادی بود که به ۲۰۰/۰۰۰/۰۱۰ ریال مقوم گردید و بر همان اساس هزینه دادرسی اخذ شد.

البته نکته‌ی قابل توجه این است که این بخشنامه، احتمالاً برگرفته از حکم مقرر در تبصره ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب: ۱۳۹۴ می‌باشد. این تبصره چنین مقرر می‌دارد: «بهای خواسته براساس نرخ واقعی آن تعیین می‌گردد، چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوی اختلاف حاصل شود و اختلاف موثر در صلاحیت شورا باشد، یا قاضی شورا نسبت به آن تردید کند قبل از شروع رسیدگی راساً یا با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین می‌کند.» که با قاعده‌ی مندرج در ماده‌ی ۶۱ قانون آیین دادرسی مغایر بوده که از جهات مختلف از جمله، ایجاد اطاله دادرسی و تحمیل هزینه بیشتر برای تظلم خواهی از حیث فلسفه‌ی حقوق قابل انتقاد است. (مقصودپور و رضایی مقدم، ۱۳۹۶: ۵۴) اما با این حال و با تمام انتقادهای وارده حکم مقرر در این خصوص صراحت داشته اما باید توجه داشت که با توجه به خاص بودن قانون شورای حل

باشد که در انشای رای، بتواند مصالح گوناگون خانوادگی، اجتماعی و فردی را مورد لحاظ قرار دهد. (شمس، ۱۳۸۷: ۸۶)

همچنین از لحاظ آیین دادرسی مدنی نیز اختصاصی دانستن دادگاه خانواده به این معنی است که دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی را ندارند. (قبولی و محسنی، ۱۳۹۴: ۱۲۱)

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چنانچه دعوی مطالبه‌ی مهریه در دادگاه عمومی مطرح گردد، این دادگاه چه تصمیمی باید اتخاذ نماید؟ قرار امتناع از رسیدگی یا قرار عدم صلاحیت؟ پاسخ این سوال به این برمی‌گردد که آیا صلاحیت دادگاه خانواده نسبت به دادگاه عمومی، صلاحیت ذاتی محسوب می‌گردد یا خیر؟

صلاحیت دادگاه خانواده نسبت به دادگاه عمومی از نوع صلاحیت نسبی است. (مهاجری، ۱۳۸۷: ۳۳۳) برخی دیگر نیز بر این عقیده‌اند که دادگاه عمومی می‌بایست قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید و به موجب ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی مدنی، پرونده از طریق رئیس حوزه‌ی قضایی به شعب اختصاص یافته به دعاوی خانواده ارجاع گردد و در واقع بر این باورند که صدور قرار عدم صلاحیت شعبه‌ی دادگاهی نسبت به شعبه دیگر همان دادگاه در حوزه‌ی قضایی واحد منتفی است. (شمس، ۱۳۸۷: ۴۱۳) اما برخی دیگر، دادگاه خانواده را یک نوع دادگاه اختصاصی و دارای صلاحیت ذاتی دانسته‌اند بنابراین نظر، دادگاه عمومی که پرونده نزد وی مطرح شده، می‌بایست قرار عدم صلاحیت صادر کند. (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۰۴؛ صدرزاده افشار، ۱۳۸۰: ۱۳۷؛ مدنی، ۱۳۸۲: ۶۳۵).

اختلاف نسبت به قانون آیین دادرسی مدنی، می‌بایست از توسعه‌ی این حکم به موارد مشابه و وحدت ملاک گرفتن در آن پرهیز نمود و به قدر متیقن، یعنی دعاوی مطروحه در شورای حل اختلاف اکتفا کرد. (مقصودپور و رضایی مقدم، ۱۳۹۶: ۵۵) لذا می‌توان گفت که بخشنامه‌ی مذکور، صرفاً در خصوص دعاوی مطروحه در شورای حل اختلاف قابل اجرا و دارای اعتبار می‌باشد و اما در خصوص دعاوی مطروحه در دادگاه، به علت مغایر بودن با قانون آیین دادرسی مدنی (قانون عام) قابلیت اجرایی نداشته و بی‌اعتبار می‌باشد.

۵-۲-۳. دادگاه صالح

۵-۲-۳-۱. دادگاه خانواده

با تصویب قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ به موجب ماده ۱ این قانون، قوه‌ی قضائیه مکلف گردید ظرف سه سال دادگاه اختصاصی خانواده را جهت رسیدگی به دعاوی مصرح در این قانون تشکیل دهد. اختصاصی بودن دادگاه خانواده از ماده‌ی ۱ و ۲ و تبصره ۱ ماده ۱ این قانون قابل استنباط می‌باشد. رسیدگی انحصاری به دعاوی خانوادگی در این دادگاه‌ها که دقت در رسیدگی را افزایش می‌بخشد و فرصت توجه به اقتضائات دعاوی خانوادگی را برای قاضی مهیا می‌سازد، از فواید اختصاص شدن این دادگاه می‌باشد؛ چراکه طبیعت دعاوی خانوادگی مقتضی این است که قاضی علاوه بر تجربه، حوصله و دقت کافی از چنان تدبیری برخوردار باشد که از راه‌های مختلف از حمله پند و اندرز، زمینه‌ی اصلاح ذات‌البین و تامین غبطه و مصلحت اعضای خانواده به ویژه فرزندان را فراهم آورد. همچنین قاضی دادگاه خانواده باید دارای چنان تدبیری

ماده ۱۳ قانون حمایت خانواده جدید نیز چنین مقرر می‌دارد: «هر گاه زوجین دعای موضوع صلاحیت دادگاه خانواده را علیه یکدیگر در حوزه‌های قضایی متعدد مطرح کرده باشند، دادگاهی که دادخواست مقدم به آن داده شده است، صلاحیت رسیدگی را دارد. چنانچه دو یا چند دادخواست در یک روز تسلیم شده باشد، دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوی زوجه را دارد به کلیه دعای رسیدگی می‌کند.»

بنابراین با توجه به مواد فوق الذکر، زوجه جهت مطالبه مهریه خویش (مشروط بر اینکه غیرمنقول نباشد) علاوه بر اصل کلی دادگاه محل اقامت خوانده (زوج) می‌تواند در دادگاه محل سکونت خویش اقدام به طرح دعوی نماید و این امتیازی است برای زوجه که قانون جدید برای وی مقرر نموده است. و چنانچه زوجین یا یکی از آن‌ها مقیم خارج از کشور باشند، حکم ماده ۱۴ مجری است.

۵-۲-۳-۲. شورای حل اختلاف

در زمان تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و اعطای صلاحیت اختصاصی به دادگاه‌های خانواده در رسیدگی به دعوی همچون مطالبه مهریه، نظر غالب این بود که شوراهای حل اختلاف، صلاحیت رسیدگی به دعوی مذکور را نداشته ولو در نصاب صلاحیت رسیدگی این شورا باشد. شورا صرفاً می‌توانست به دعوی خانوادگی در صورت تراضی طرفین جهت صلح و سازش اقدام و نتیجه را برای صدور گزارش اصلاحی به دادگاه خانواده ارسال نماید. (منصوری، ۱۳۹۲: ۵۰)

لذا در صورت عدم تحقق صلح و سازش، شورا می‌بایست قرار عدم صلاحیت صادر می‌نمود. اما ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب

۱۳۹۴، برخلاف نظر فوق، دعوی مهریه، نفقه و جهیزیه را تا سقف ۲۰۰ میلیون ریال در صلاحیت شورا قرار داد. به این ماده (ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف) از این حیث، انتقادهایی شدیدی وارد است. چراکه از یک سو، این ماده از میان دعوی خانوادگی صرفاً دعوی مطالبه مهریه، نفقه و جهیزیه را با رعایت حد نصاب قانونی در صلاحیت شورا دانسته و بقیه دعوی خانوادگی مانند اجرت‌المثل ایام زوجیت را همچنان در صلاحیت دادگاه خانواده می‌داند که دلیل این تفاوت مشخص نیست. از سوی دیگر، قانونگذار دادگاهی خاص را برای رسیدگی به دعوی خانوادگی اختصاص داده بود که این امر بیانگر اهمیت ویژه‌ی این دعوی است. از آنجایی که برای قضاات دادگاه خانواده وجود برخی شرایط محقق شده بود که چنانچه قضاات دادگاه‌های عمومی فاقد آن شرایط باشند، صلاحیت رسیدگی به دعوی خانوادگی را نخواهند داشت. لذا به طریق اولی اعضای شورای حل اختلاف که دارای پایه و سمت قضایی نیستند را بایستی از رسیدگی به این دعوی ممنوع داشت. (اسدی و شکری، ۱۳۹۳: ۷۴) در بخش مربوط به حذف موارد مغایر در ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده به نسخ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ و صلاحیت مربوط به آن در دعوی خانوادگی اشاره‌ای نشده است.

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه نیز در نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۲۸۸۲-۱۶/۵/۱۳۸۹/عدم صلاحیت ذاتی شوراهای حل اختلاف در رسیدگی به دعوی خانوادگی را تصریح نمود در بند هـ ماده‌ی ۱۰ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ نیز تصریح شده بود که شورا نسبت به آن دسته از دعوی که در مراجع اختصاصی یا مراجع

بخشنامه ی «یکنواخت سازی هزینه دادرسی» به شماره ی ۹۰۰۰/۲۷۸۹/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۸ صادره از ریاست قوه قضائیه، مغایر قوانین موضوعه از جمله قانون آیین دادرسی مدنی است که تعیین بهای خواهی خواسته در دعاوی مالی را به دلخواه خواهان واگذار نموده است. لذا این بخشنامه به علت مغایرت با قانون قابل ابطال در دیوان عدالت اداری می‌باشد. در راستای اصلاح مقررات مذکور از آنجایی که الزام زوجه به مراجعه به اداره ثبت جهت وصول مهریه خویش، مغایر قانون اساسی، حق دادخواهی شهروندان و... بوده و همچنین این مقررہ دارای معایب بسیاری بوده که مورد بررسی قرار گرفت، لذا پیشنهاد می‌شود که زوجه برای وصول مهریه، مختار در مراجعه به دادگاه یا اداره ثبت اسناد و املاک باشد و بخشنامه صادره از سوی ریاست وقت قوه قضائیه به علت مخالفت با مقررات قانون آیین دادرسی مدنی، کان لم یکن قلمداد شود.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

قضایی دادگستری است، صلاحیت رسیدگی ندارد. با وجود این تفصیل و تمام انعقادهایی اساسی که به ماده‌ی ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ وارد است و این ماده را در هاله‌ای از ابهام باقی گذارده است، با این حال در حال حاضر با توجه به لازم‌الاجرا بودن این قانون و رویه‌ی قضایی می‌توان گفت: چنانچه میزان مهریه تا ۲۰۰ میلیون ریال باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت شورای حل اختلاف است که به نظر می‌رسد ماده‌ی ۹ این قانون از این حیث نیاز به اصلاح دارد. اما چنانچه مهریه‌ی زوجه مالی غیرمنقول باشد، هر چند بهای خواهی خواسته از لحاظ ارزش معاملاتی و قیمت منطقه‌ای داخل در حد نصاب شورا باشد اما از بحث صلاحیت شورا خروج موضوعی یافته و در صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده می‌باشد. (خائفیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳)

۶. نتیجه‌گیری

در راستای مطالبه مهریه مندرج در سند رسمی نکاحیه مقررات جدیدی وضع گردیده است، با این توضیح که براساس بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله‌ی ششم توسعه، زوجه بدوا جهت مطالبه‌ی مهریه خویش حق مراجعه به دادگاه را نداشته بلکه بایستی به دوائر اجرای ثبت مراجعه نموده و از آن طریق مهریه‌ی خویش را به اجرا گذارد و چنانچه از آن طریق به نتیجه نرسید می‌تواند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه خانواده اقدام نماید این درحالی است که طبق قوانین موضوعه از جمله قانون اساسی، دادگاه مرجع رفع تظلمات است و الزام اشخاص به مطالبه‌ی مهریه از طریق اداره‌ی ثبت براساس بند ب ماده فوق الذکر برنامه، مغایر موازین قانونی است؛ همچنین الزام زوجه به پرداخت هزینه‌ی دادرسی براساس قیمت روز سکه و طلا به موجب

منابع فارسی

- شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، چاپ سی و هشتم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲
- فراهیدی، حلیل بن احمد. «العین»، چاپ اول، قم، مؤسسه دار الهجرة الهمزه، قم، ۱۳۶۷
- قبولی درافشان، محمدمهدی و محسنی، سعید، نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در زمینه‌ی مقررات شکلی مرتبط با دعاوی خانوادگی، پژوهشنامه حقوق زنان- پژوهشکده‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۴
- کاتوزیان، ناصر، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی- حقوق خانواده، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹
- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶
- محبی، مرضیه، نحوه‌ی وصول مهریه در برنامه‌ی ششم، پایگاه تحلیلی خبری خانواده و زنان، ۱۳۹۰
- مدنی، جلال‌الدین، حقوقی مدنی، مقدمات محکیمات، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۲
- مسعودپور، رسول و رضایی مقدم، مهرداد، بررسی قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ و مقایسه‌ی آن با مقررات پیشین، فصلنامه‌ی داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره شانزده، ۱۳۹۶
- منصوری، سعید، تراضی بر انصراف از صلاحیت نسبی، مدرسه حقوق، شماره هشتاد و دو، ۱۳۹۲
- اسدی، لیلا سادات و شکری، فرید. آیین دادرسی مدنی در دعاوی خانوادگی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۳
- نجفی اسفاد، مرتضی، محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، فردا، ۱۳۸۸
- خائفیان، جواد ونوری، الهه و محمدی، امید، بررسی امکان تداخل صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده با مراجع دیگر، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هجدهم، شماره هفتاد و دوم، ۱۳۹۵
- دهخدا، علی اکبر لغت نامه دهخدا، جلد سیزدهم، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
- رمضان پور اردستانی، مرجان، تاثیر مقررات ثبتی بر مطالبه‌ی مهریه در قانون مدنی، اولین همایش حقوق و امور مدنی نطنز، ۱۳۹۵
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی- دوره پیشرفته، جلد اول، چاپ بیستم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۷۸
- صدرزاده افشار، سیدمحسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰
- صفری، ناهید، آیین دادرسی دعاوی خانوادگی در قانون جدید حمایت از خانواده از منظر اصول خاص حاکم بر این دعاوی، فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره هفتاد، ۱۳۹۸

— مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۷

— نظام المالکی، جعفر و قربانی، صفورا، تحلیل حقوقی مطالبه و اجرای مهریه در اداره‌ی اجرای اسناد رسمی، سومین کنفرانس ملی هزار و سوم و علوم انسانی، شماره بیست و هشتم، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی